

به نام حضرت دوست

خلاصه فصل چهارم: نظریه های تدریس

موضوعات این فصل:

- ۱- تعریف تدریس
- ۲- نظریه های تدریس و تحلیل آن
- ۳- طرح یک نظریه تدریس هماهنگ
- ۴- یک نظریه ی تجویزی تدریس
- ۵- هدف نهایی تدریس (حالت مطلوب)
- ۶- حالت موجود (ابتدایی)
- ۷- محتوای درس
- ۸- کنش های تدریس
- ۹- کاربرد کنش های تدریس
- ۱۰- تفاوت بین تدریس و یادگیری
- ۱۱- عوامل موثر در تدریس
- ۱۲- برنامه ی متکی بر رشد همه جانبه ی شاگرد

تعریف تدریس:

از تدریس همانند یادگیری، تعریف های متعددی ارائه شده است که با بررسی این تعاریف می توان نتیجه گرفت که تدریس یک فعالیت است اما نه هر نوع فعالیتی، بلکه فعالیتی که آگاهانه، با هدفی خاص و با شناخت شاگردان باشد و موجب تغییر در آنان گردد. در واقع تدریس یک سلسله فعالیت های مرتب، منظم و هدفدار است که هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری است. به عبارت دیگر تدریس یعنی تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد

براساس طراحی منظم و هدفدار معلم برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد.
ممکن است فعالیت هایی صورت بگیرند که به ظاهر تدریس و یا یادگیری اتفاق افتاده اما در واقع هیچ گونه
تدریس و یا یادگیری صورت نگرفته است. در تدریس رعایت ۳ نکته ضروری است:

۱- تدریس باید هدف داشته باشد.

۲- روش تدریس متناسب با هدف و بیان کننده ی موضوع یادگیری باشد.

۳- مفاهیم مطابق فهم و توانایی شاگردان ارائه شود.

نظریه های تدریس و تحلیل آن:

در طول بیست سال اخیر در زمینه تدریس نظریه های زیادی طرح و ارائه شده است که تاکنون نظریه پردازان
موفق به ارائه یک نظریه هماهنگ نشده اند ولی می توان تمام نظریه های مختلف را در چارچوب نظریه ی جامع
تدریس ارائه کرد. فایده ی این نظریه در این است که معلم را از رویارویی با نظریه های بی ارتباط با هم یاری
میکند.

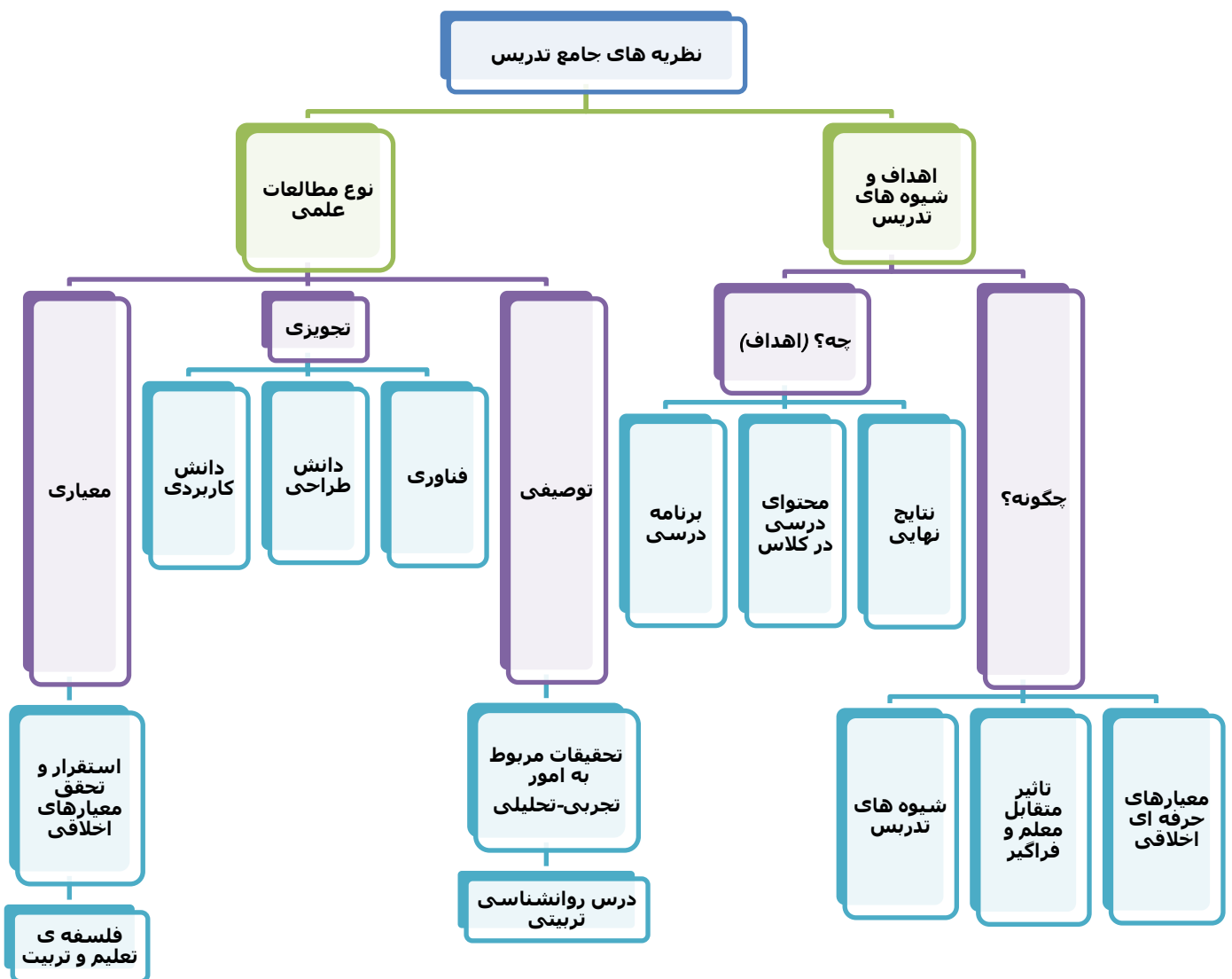
طرح یک نظریه تدریس هماهنگ:

مطالعات توصیفی: به توصیف و تشریح بخشی از واقعیت می پردازد.

مطالعات معیاری: هدفش استقرار مسائل اخلاقی است.

مطالعات تجویزی: ارتباط بین مطالعات معیاری و توصیفی به منظور حل مسائل مهم و علمی

ابعاد این نظریه به شرح نمودار زیر است؛

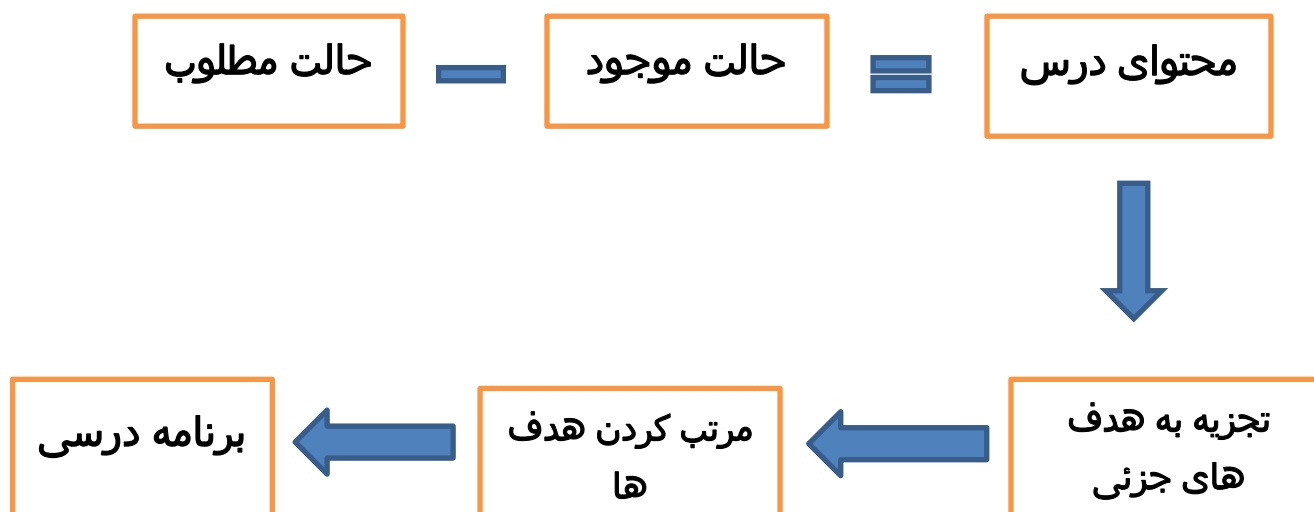


یک نظریه ی تجویزی تدریس (از هدف تا برنامه درسی):

در فرآیند آموزشی و در شرایط خاص همه فعالیت ها پشت سرهم قرار میگیرند و هر هدفی وسیله ای است برای رسیدن به هدف بعد و هر هدف به غیر از هدف اول بنایی پیش از خود دارد. بنابراین در تدریس باید ۱- یک هدف را به عنوان حالت آرمانی یا هدف نهایی مشخص کنیم. ۲- موفقیت شاگرد را در نظر بگیریم و ۳- بتوانیم محتوای درس را مشخص کنیم، بنابراین:

(رفتار ورودی) حالت موجود - (هدف نهایی تدریس) حالت مطلوب = محتوای درس

بعد از تجزیه ی هدف ها به هدف های کوچکتر عمل "مرتب کردن" انجام میگیرد و در نهایت برنامه درسی تدوین میشود.



هدف نهایی تدریس (حالت مطلوب):

- به وسیله ی مجموعه ای از تکالیف که مستلزم پایه ای از آگاهی و معلومات مشخص و ساخت فکری و فرآیندهای شناختی معین تعیین میشود و براساس ۳ جنبه ی زیر توصیف میشود:
- ۱-دسته ای از مهارت که فرد قادر است آن را در کلاس درس انجام دهد مانند پرسش های درس ریاضی و تاریخ (تکالیف آموزشی کلاس)
- ۲-تکالیفی که مستلزم توانایی های فکری و شناختی خاص است که می توان با شیوه های تحقیقی لازم تعیین کرد.
- ۳-مطالعه و تحقیق فرآیندهایی که به وسیله ی متخصصان در حل تکالیف مطرح شده اند مانند یک عمل محاسباتی یا اکتشافی متناسب با حل تکلیف داده شود (تحلیل ذهنی یا تجربی)

حالت موجود:

برای رسیدن به حالت موجود باید به حالت اولیه و اطلاعات پایه ی شاگردان توجه نمود. معلم می تواند با استفاده از آزمون های مهارتی خاص از آزمون های توانایی ویژه می توان استفاده کرد. شیوه های ارزیابی فرآیندهای شناختی برای ارزیابی معلومات و نیازهای شناختی شاگردان مناسب است.

محتوای درس:

در واقع مفاهیمی است که تدریس می شود، تکالیفی است که شاگرد انجام می دهد. تفاوت حاصل از هدف های نهایی تدریس و حالت موجود است؛ محتوا و برنامه درسی وابسته به شاگرد است. معلم هنگام طراحی روش تدریس و برنامه درسی باید نیازهای خاص شاگرد را در نظر داشته باشد.

تجزیه و تحلیل محتوای درس و ساخت برنامه درسی:

هدف های کلی تدریس را می توان به هدف های جزئی تجزیه کرد. در این فرآیند توجه به امور زیر مهم است: روابط بین اهداف جزئی، انتظارات جزئی از شاگردان، فرآیند و ساخت فکری شاگردان، احتمال تاثیر هر هدف جزئی در تسهیل، منع یا بازداري تحقق اهداف بالاتر

کنش های تدریس:

تدریس بر جریانانی که در فراگیران رخ می دهد اثر می گذارد.

۱- **انگیزش:** وجود محرک یا انگیزه برای یادگیری

۲- **اطلاعات:** وا داشتن شاگرد به کسب اطلاعات از طریق گوش کردن، خواندن و اکتشاف

۳- **به جریان انداختن اطلاعات (پردازش داده ها):** برای اطمینان یافتن از درک اطلاعات توسط فراگیر باید:

الف- اطلاعات روشن و آشکار باشد.

ب- شاگرد قادر به تجزیه ی اطلاعات جدید به قسمت های کوچکتر، ترکیب با یکدیگر و بازسازی اطلاعات اصلی و اولیه باشد.

ج- با مقایسه ی قسمت های کوچکتر با هم نسبت ساخت و ترکیب اطلاعات جدید، بینش و شناخت پیدا کند.

۴- **ذخیره سازی و اصلاح مجدد:** شاگرد سعی می کند تجدید ساخت ذهنی اش را به وسیله مقایسه اطلاعات

جدید با اطلاعات قبلی انجام دهد یعنی از طریق کشف مشابهت ها و تفاوت ها و ترکیب اطلاعات جدید و قدیم، ساخت جدید به وجود آورده و یا ساخت قبلی را اصلاح و گسترش دهد.

۵- **انتقال اطلاعات:** به دو صورت مثبت و منفی می باشد اما در اینجا منظور انتقال مثبت است که به ۲ گونه

است. یکی مربوط به کاربرد قانون اصل یا قاعده در فرآیند فعالیت جدید و نوع دیگر مقایسه میان اطلاعات بر بیان آنها در موارد خاص.

۶- **کنترل و هدایت:** در تدریس باید شاگردان را به گونه ای مطلوب راهنمایی و هدایت کرد.

کاربرد کنش های تدریس:

۱- کنش تدریس برای برانگیختن مطالعه و تحقیقی که دارای اثر تعلیم و تربیت است بسیار مفید است، در نوع

فعالیت معلمان، شاگرد، شرایط تدریس و مواد آموزشی موثر است.

۲- در طراحی آموزشی کاربردی موثر دارد.

۳- می توان در انتخاب روش ها و شیوه های تدریس استفاده کرد

تفاوت بین یادگیری و تدریس:

یادگیری تغییری است که بر اثر تعامل شاگرد با محیط حاصل می شود و تدریس کنشی متقابل معلم و شاگرد است. در واقع تدریس و یادگیری دوفرآیند جدا هستند. یادگیری در همه جا و همیشه و حتی بدون تدریس هم صورت خواهد گرفت، از طرف دیگر هر تدریسی نیز همیشه منجر به یادگیری نخواهد شد. می توان با عمل تدریس کمیت و کیفیت و سرعت یادگیری را افزایش داد. نظریه های یادگیری همیشه معطوف به شاگرد است. نظریه های تدریس باید بیان کننده و کنترل کننده ی موقعیتی باشد که در آن رفتار معلم موجب تغییر رفتار شاگرد میشود در واقع نظریه های تدریس توصیف کننده ی روش هایی است که بدان وسیله یک فرد (معلم)، فرد دیگری (شاگرد) را تحت تاثیر قرار میدهد و سبب می شود که او یادبگیرد. برونر نظریه های یادگیری را توصیفی و نظریه های تدریس را تجویزی می خواند.

قوانین توصیفی بیان کننده ی روابط بین متغیرهاست و جنبه ی وضعی ندارد در حالی که قوانین تجویزی جنبه ی وضعی و قراردادی دارد. امروزه بیشترین و بهترین نوع یادگیری در مدرسه ها صورت میگیرد معلمان در روند فعالیت های آموزشی متوسل به نظریه های یادگیری هستند. اصطلاح تدریس و یاد دادن متفاوت هستند و هر تدریسی منجر به یاد دادن نمی شود. یاد دادن عبارت است از وا داشتن دیگران به به توجه و مشاهده، ایجاد ارتباط، به یاد آوردن و... است در صورتی که برای تدریس کوشش کمتری نسبت به یاد دادن صرف می شود. اگر بخواهیم آنچه درس می دهیم یاد بدهیم باید شاگرد را درک کنیم و از عوامل تاثیرگذار در او آگاه باشیم. اگر فعالیتی منجر به یادگیری نشود تدریس نیست هرچند در عامیانه به آن تدریس گویند. نکته دیگر اینکه معلم هرگز یاد نمی دهد بلکه شرایط یادگیری را فراهم می کند و این شاگرد است که یاد می گیرد. اگر موقعیت مطلوب فراهم شود یادگیری شاگرد حتمی است.

عوامل موثر در تدریس:

تدریس امر ساده ای نیست. معلم در تدریس با متغیرهای متفاوتی سروکار دارد. شناخت و کنترل همه عوامل و متغیرهای دخیل کار آسانی نیست و شاید بتوان گفت غیرممکن است. در ایجاد محیط یادگیری عواملی همچون ویژگی های معلم و شاگرد، ساخت نظام آموزشی و ده ها متغیر دیگر میتواند موثر باشد. معلم نمی تواند همه متغیرهای دخیل را تحت کنترل قرار دهد اما شناختن چنین عواملی او را قادر خواهد ساخت که در تنظیم فعالیت های تدریس، تصمیمی آگاهانه بگیرد.

بعضی از عوامل مهم و موثر در تدریس:

۱- ویژگی های شخصیتی و علمی معلم:

اساسی ترین عامل برای موقعیت مطلوب در تحقق هدف های آموزشی، معلم است. در فرآیند تدریس، تنها تجارب و دیدگاه های علمی معلم نیست که موثر واقع میشود بلکه کل شخصیت اوست که در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تاثیر میگذارد. دیدگاه معلم و فلسفه ای که به آن اعتقاد دارد در چگونگی کار او تاثیر شدیدی می گذارد، به طوری که او را از حالت شخصی که فقط در تدریس مهارت دارد خارج میکند و به صورت انسان اندیشمندی در می آورد که مسئولیت بزرگ تربیت انسان ها برعهده اوست. برشمردن ویژگی های معلم کار چندان آسانی نیست زیرا جوامع مختلف انتظارات متفاوتی از معلم دارند ولی می توان به ویژگی های کم و بیش مشترکی که لازم است معلمان در همه جا داشته باشند اشاره کرد، ویژگی های معلمان را به ویژگی های شخصیتی و علمی معلم تقسیم میکنیم.

الف) ویژگی های شخصیتی معلم و نقش آن در تدریس:

در روند این بررسی، به تجلیل نوع نگرش و روابط معلم نسبت به شاگردان می پردازیم و آنان را به دو گروه «شاگردنگر» و «درس نگر» تقسیم میکنیم.

۱- معلمان شاگردنگر: این گروه از معلمان شاگردان را هسته مرکزی فعالیت خود قرار میدهند و آنان را محور اصلی فعالیت های آموزشی می دانند. آنان فعالیت و رشد همه جانبه شاگردان را در نظر میگیرند. معلمان شاگردنگر اگر اطلاعات و دانش زیادی هم داشته باشند انتقال همه ی آنها را به شاگردان چندان مهم نمی دانند بلکه بیشتر فعالیت خود را بر آموزش و پرورش شاگرد متمرکز میکنند. اینان از میان علوم، بیشتر به علوم انسانی و به ویژه روانشناسی توجه دارند.

گروه شاگردنگر را می توان به دو دسته کوچکتر «شاگردنگر فردی» و «شاگردنگر جمعی» تقسیم کرد. شاگردنگر فردی یکایک شاگردان را شناسایی و با هر کدام مطابق خصوصیات فردی اش رفتار میکند، در حالی که شاگردنگر جمعی بیشتر به جمع شاگردان و پرورش جمعی آنان توجه دارد.

۲- معلمان درس نگر: این معلمان بیشتر به درس اهمیت می دهند تا پرورش شاگردان. تمام کوشش آنها بر این است که به هر طریقی که شده درس را به شاگردان انتقال دهند.

گروه درس نگر را نیز می توان به دو گروه کوچکتر «درس نگر علمی» و «درس نگر فلسفی» تقسیم کرد. گروه

درس نگر علمی بیشتر به رشته های علمی علاقه مند هستند و به سبب اطلاعات وسیعی که در رشته های علمی دارند می توانند شاگردان را به سوی خود جلب کنند. تأثیری که آنها در شاگردان می گذارند ناشی از شخصیت آنان نیست بلکه زاده ی وسعت اطلاعات آنهاست. این گروه از معلمان اگر به نیاز و علاقه شاگردان توجه کرده و با آنها ارتباط مطلوب برقرار سازند، می توانند معلمان خوب و مفیدی باشند و تأثیر مثبتی در شاگردان بگذارند.

گروه درس نگر فلسفی با اینکه به درس بیشتر از شاگردان توجه دارند، اما چون اغلب به مسائل کلی و اجتماعی می پردازند، کلاسشان گیراست. آنها به علت آرمان گرایی خاص و شخصیت بارز و نافذی که دارند، شاگردان را مجذوب خود میکنند.

از نظر نوع رفتار نیز شخصیت های معلمان به چند دسته تقسیم می شود. معلم چه شاگردنگر باشد و چه درس نگر، ممکن است در رفتار با شاگرد خود «رفاقت طلب» و یا «اقتدار طلب» باشد. وقتی می گوییم «معلم اقتدار طلب» باید دو نوع رفتار را در نظر مجسم کنیم: یکی رفتاری که بیشتر دستوری و آمرانه ولی ناشی از دلسوزی و نیک خواهی است نه خشم و خصومت؛ دیگری رفتار آمرانه ی معلمی که چندان علاقه و توجهی به شاگرد ندارد و به طور کلی عصبی و ضعیف النفس است. بنابراین با توجه به رفتار معلم و علاقه او به شاگرد یا درس، می توان معلمان را به چهار گروه: **۱- اقتدار طلب درس نگر** **۲- اقتدار طلب شاگردنگر** **۳- رفاقت طلب درس نگر** **۴- رفاقت طلب شاگردنگر** تقسیم کرد.

(ب) تأثیر شخصیت و رفتار معلم در فرآیند تدریس

معلم باید در رفتار و اعمالش آنقدر بزرگواری باشد که نمونه و الگوی شاگردانش قرار گیرد. شاگردانش را آزاده بار بیاورد و به آنان بیاموزد که انسانیت قابل تحقق است و خود نیز نمونه تحقق یافته انسانیت باشد. معلم باید هنگام تدریس به همه دانش آموزان توجه کند. معلم نباید در برخورد با شاگردانش عدالت را فراموش کند. نگاه محبت آمیز معلم همانند صدایش، باید به طور یکسان شامل حال همه شاگردانش شود، زیرا تمام رفتار معلم برای شاگردانش قابل تعبیر و تفسیر است. معلم باید وقت شناس باشد، وضع ظاهری و سخن گفتن معلم از عواملی هستند که در تدریس از اثر می گذارند.

ج) تاثیر شخصیت علمی معلم بر فرآیند تدریس

معلم هر اندازه دارای رفتار انسانی مطلوبی باشد ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد.

معلمی از نظر علمی قوی است که به روش های ارائه محتوا و چگونگی برقراری ارتباط آگاه و بر آنها مسلط باشد. روش تدریس باید متناسب با اصول آموزش و پرورش و خصوصیات شاگردان انتخاب شود. تسلط بر محتوا و موضوع درس از مهمترین ویژگی های معلم است. معلم باید همیشه بر آگاهی های خود بیفزاید تا دچار تکرار مکررات نشود. نقش دیگر معلم ایجاد رابطه و پیوند بین جامعه و مدرسه است. معلم باید در زندگی اجتماعی نیز راهنمای شاگردان باشد. راهنمایی معلمان سبب می شود که زندگی واقعی در نظر شاگردان معنی پیدا کند. آموزش و پرورش هر جامعه با توجه به تاریخ و فرهنگ آن جامعه شکل خاصی به خود می گیرد. معلم باید سعی کند ذهن شاگردان را از حالت رکود و ثبات بیرون آورد و آنان را با آرمان های ارزشمند انسانی آشنا سازد. معلم علاوه بر داشتن محتوای غنی علمی، باید از فنون و مهارت های آموزشی آگاه باشد و با تحلیل فرآیند آموزشی و با استفاده از امکانات و تجهیزات موجود روش تدریس خود را انتخاب کند.

۲- ویژگی های شاگردان و تاثیر آن در فرآیند تدریس:

آگاهی از فرآیندهای شناختی شاگردان در سنین مختلف از ضروری ترین وظایف معلم است؛ زیرا فرآیند رشد شاگرد، علایق، میزان انگیزش، بلوغ عاطفی، سوابق اجتماعی و تجارب گذشته از عواملی هستند که همواره در روش کار معلم در کلاس اثر می گذارند. معلم نمیتواند بدون توجه به ویژگی های شاگردان، آنان را به کار کردن وادار کند زیرا فعالیت های عقلی، اخلاقی و اجتماعی شاگرد تابع اراده معلم نیست؛ آنان باید شخصا عامل باشند. ساخت ذهنی، هوش و تجربه های علمی شاگرد موضوع دیگری است که در روش تدریس باید به آن توجه شود. معلم باید به شاگردان فرصت دهد تا دانش خود را خودشان بسازند. کودکان بیشتر از آنکه به آموزش مستقیم نیازمند باشند به فرصت های یادگیری مستقیم محتاجند.

موقعیت اجتماعی شاگرد از عوامل دیگری است که بر تدریس معلم موثر است؛ شاگردان در فرآیند اجتماعی شدن، نیازمند الگوی سالم هستند تا بتوانند ساخت مطلوب «شدن» را در خود بیافرینند. والدین و معلمان نخستین الگوهای موثر در تشکیل شخصیت شاگردان به شمار می روند.

در فرآیند آموزش، همکاری متقابل شاگردان به اندازه عمل بزرگسالان اهمیت دارد؛ این همکاری از لحاظ

عقلی، بهتر از هر امر دیگری می تواند مبادله واقعی اندیشه را تسهیل کند و شاگردانی با ذهن های نقاد و تفکر منطقی را پرورش دهد. در زمینه اخلاقی نیز همین امر صادق است؛ اخلاق اتکایی یا اطاعت از دیگران، شاگردان را به انواع کج رفتاری ها سوق خواهد داد. این گونه اخلاق قادر نیست کودک را به استقلال وجدان فردی (اخلاق مبتنی بر خیر) سوق دهد.

۳- تاثیر برنامه و ساخت نظام آموزشی در فرآیند تدریس:

ساخت نظام آموزشی هر جامعه، اعم از نگرش ها، باورها، برنامه ها و آیین نامه ها می تواند روش تدریس معلم را تحت تاثیر قرار دهد. بررسی نظام آموزشی از نظر «برنامه» و «چگونگی اجرا»، دو نظام را کاملا متمایز می توان تشخیص داد.

برنامه متکی بر اصالت مواد درسی شامل ویژگی های زیر است:

- ۱- هدف آموزش و پرورش انتقال محتوای برنامه درسی از یک نسل به نسل دیگر است.
- ۲- یک برنامه ثابت برای همه ی کشور اجرا می شود.
- ۳- محتوای برنامه مقید به متن تنظیم شده است.
- ۴- هر درس به طور مستقل و جدا بدون ارتباط با مواد دیگر تدریس می شود.
- ۵- رعایت انطباق یکنواخت در آموزش مواد درسی برای همه ی معلمان الزامی است.
- ۶- نتیجه فعالیت آموزشی، از نظر معلم و شاگرد، بیشتر به حافظه سپردن و گذراندن امتحان و گرفتن نمره است
- ۷- اجرای برنامه های آموزشی بیشتر به سمت نگهداری و ارائه یک نظام ثابت آموزشی سوق داده می شود.

برنامه متکی بر رشد همه جانبه ی شاگرد:

- ۱- هدف آموزش و پرورش رفع نیازهای آنی و آتی شاگرد و جامعه است.
- ۲- برنامه برحسب مقتضیات منطقه و نوع مدرسه و توانایی شاگردان تنظیم می شود.
- ۳- محتوای برنامه به فعالیت های فردی و گروهی شاگردان بستگی دارد و معلم همواره نقش راهنما را بر عهده دارد.
- ۴- یادگیری مواد درسی پیوسته و همراه با کشف و حل مساله است.
- ۵- معلمان در اجرای برنامه و انتخاب مواد درسی آزادی عمل و اختیارات بیشتری دارند.

۶- نتیجه فعالیت های آموزشی، به صورت ارضای حس نیاز به یادگیری و کمک به رشد متعادل شخصیت شاگردان، مورد بررسی قرار می گیرد.

۷- تنظیم و پیشرفت برنامه های آموزشی امری مداوم و پیگیر است.

۴- تاثیر فضا و تجهیزات آموزشی در فرآیند تدریس:

معلم خوب در شرایط محدود نیز می تواند موثر واقع شود؛ اما شکی نیست که فضا و تجهیزات آموزشی مناسب در کیفیت تدریس معلم بسیار موثر است. کثرت شاگردان، نداشتن میز و نیمکت، کیفیت نامطلوب تخته گچی، عدم نور کافی و صدها امکانات دیگر می توانند روش تدریس معلم را تحت تاثیر قرار دهند.

تهیه کنندگان:

فاطمه آذری قلاتی

رقیه درویش دانا

مرضیه شعبانی نژاد

فاطمه گودرزی

پریسا محمودیان فرد

مریم موسی زاده